

## چرا زنان در خشونت‌های خانگی اعتراض نمی‌کنند؟

اگر از آن دسته افرادی هستید که غرق در دنیای مجازی زندگی می‌کنند احتمالاً با خودتان فکر می‌کنید ایران در زمینه خشونت خانگی علیه زنان پیشرفت‌های خوبی داشته است چون هر روز انواع و اقسام پوسترها و تصاویر هشداردهنده در این زمینه دست‌به‌دست می‌شوند و فعالان ایرانی، همپای کشورهای دیگر علیه این ماجرا فعالیت می‌کنند اما آمارها نشان می‌دهد جامعه ما نه تنها در این زمینه پیشرفتی نداشته بلکه میزان خشونت خانگی علیه زنان بیشتر هم شده است.

به گزارش ایسکانیوز به نقل از روزنامه وقایع اتفاقیه، خانه برای خیلی از ما با مفهوم آرامش گره خورده؛ جایی که هر چقدر خسته و شکسته باشی، آنجا می‌توانی بارت را زمین بگذاری و آرام شوی اما برای خیلی از زنان، خانه معنی دیگری دارد؛ برای آنها خانه گاهی اوقات مترادف با درد و تحقیر است. زنانی که گویا تعدادشان اصلاً کم نیست. اگر از آن دسته افرادی هستید که غرق در دنیای مجازی زندگی می‌کنند احتمالاً با خودتان فکر می‌کنید ایران در زمینه خشونت خانگی علیه زنان پیشرفت‌های خوبی داشته است چون هر روز انواع و اقسام پوسترها و تصاویر هشداردهنده در این زمینه دست‌به‌دست می‌شوند و فعالان ایرانی، همپای کشورهای دیگر علیه این ماجرا فعالیت می‌کنند اما آمارها نشان می‌دهد جامعه ما نه تنها در این زمینه پیشرفتی نداشته بلکه میزان خشونت خانگی علیه زنان بیشتر هم شده است.

ردپای این آمارها را در حرف‌های کارشناسان زیادی می‌توان دید. مثلاً مهرشاد شبابی، عضو هیأت علمی دانشگاه و مسئول کلینیک‌های حقوقی کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی، گفته بود: آمارهای به‌دست آمده در سال ۱۳۹۴، نتایج بدی داشت که یکی از آنها مربوط به میزان خشونت خانگی علیه زنان بود. این آمارها نشان دادند ۶۶ درصد زنان در طول دوران تأهل خود دچار خشونت می‌شوند. در میان خشونت‌ها هم متأسفانه خشونت کلامی و روانی، بیشترین درصد را به‌خود اختصاص داده است.

بررسی‌ها و تحقیقات آسیب‌شناسان مسائل اجتماعی نیز نشان می‌دهد که از هر ۲۰ زن در کشورمان، یک نفر دچار آزار و اذیت فیزیکی همسرش قرار می‌گیرد که این موضوع گاهی از سوی خود زنان پنهان می‌شود یا در صورت اعتراض و شکایت، راه به جایی نمی‌برد به طوری که مطرح است، در ایران کمتر از ۳۵ درصد از خشونت‌های خانگی به پلیس یا اورژانس اجتماعی گزارش می‌شود و گاهی اصلاً این تصور وجود ندارد که این رفتار درستی نیست و نباید آن را تحمل کرد. او ادامه داد: ۸۹ درصد مردانی که همسران خود را مورد آزار جسمی قرار می‌دهند، فاقد تحصیلات دانشگاهی و عالی هستند. همچنین در تحقیقی که انجام شده است، مشخص شد که از ۱۸۰ موردی که زنان علیه خشونت‌های خانگی شکایت کرده بودند، ۱۲۸ مورد آنها حاضر نشدند پیگرد قانونی صورت گیرد. نکته مهم دیگر آن است که زنان ۴۵ تا ۴۹ ساله، بیشتر مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند و زنانی که مهارت‌های کلامی بالاتر دارند، کمتر مورد خشونت قرار می‌گیرند؛ البته در آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، شاهد آمار بالاتر خشونت خانگی نسبت به ایران هستیم.

شکایت نمی‌کنم اما هستم

احتمالاً شما هم وقتی این آمارها را می‌شنوید با خودتان می‌گویید چند زن اطراف ما مورد انواع خشونت‌ها قرار می‌گیرند اما هیچ کدامان

نمی‌فهمیم که این دقیقاً بزرگ‌ترین مسئله درباره خشونت علیه زنان است. طبق حرف‌های اکثر کسانی که در زمینه مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان فعالیت می‌کنند، مهم‌ترین مشکل، بیان‌نکردن مسئله از سوی زنان محسوب می‌شود. مائده محمدی، فعال حقوق زنان و یکی از کسانی است که در دو مرکز مشاوره خانواده دولتی و دانشگاهی با زنان قربانی سر و کله می‌زند. او می‌گوید: خیلی از زنان به سراغ من می‌آیند و برای متوقف کردن شوهرشان از ما راه‌حل می‌خواهند و وقتی به آنها شکایت کردن را پیشنهاد می‌کنیم، قبول نمی‌کنند چون به قول خودشان نمی‌خواهند اوضاع را از آنچه که هست، بدتر کنند. البته ما هم در همان ابتدا به زنان نمی‌گوییم برو شکایت کن اما وقتی می‌بینیم زنی از نظر فیزیکی، آسیب‌های جدی دیده و همسرش هم حاضر نیست حداقل برای مشاوره و گرفتن کمک مراجعه کند، تشخیص می‌دهیم که یک قوه قهریه باید مرد را متوقف کند اما خود زنان بزرگ‌ترین مانع بر سر راه ما هستند.

او ادامه می‌دهد: در فرهنگ ما، شکایت از مرد مساوی با طلاق است و زنی که می‌خواهد از شوهرش شکایت کند یعنی زنی که می‌خواهد طلاق بگیرد تا جایی که زنان فقط وقتی شکایت می‌کنند که بخواهند روی رأی دادگاه تأثیر بگذارند که اغلب هم باز مجبورند تمام حقوقشان را ببخشند تا بتوانند طلاق بگیرند. خیلی از آنها هم می‌خواهند به اطرافیان ثابت کنند که واقعا مجبور بوده‌اند طلاق بگیرند و واقعا تحت فشار بوده‌اند. همین موضوع باعث می‌شود که خیلی از آنها روند شکایت را دنبال نکنند چون واقعا به دنبال مجازات شوهرشان نیستند.

#### خشونت بدون درد و خونریزی

تحقیقات مختلف نشان می‌دهند با وجود آمارهای شوکه‌کننده در زمینه خشونت خانگی فیزیکی علیه زنان، آمار زنانی که مورد خشونت‌های غیرفیزیکی قرار می‌گیرند بسیار بیشتر است؛ البته این را هم در نظر بگیرید که درصد بسیار زیادی از زنان قربانی هیچ‌وقت در آمارها دیده نمی‌شوند. آنها به‌عنوان زنان سازشکار و صبور لب به بیان مشکل باز نمی‌کنند که اگر هم باز کنند، چندان حمایتی دریافت نمی‌کنند. محمدی درباره زنان قربانی این نوع خشونت می‌گوید: اگر هم بتوانیم زنان را متقاعد کنیم که از راه قضائی در برابر خشونت خانگی بایستند باز هم تحقیر، توهین، رابطه جنسی بدون رضایت و... هیچ‌وقت جایی در محاکم قضائی ما نخواهند داشت. اگر زنی به دادگاه مراجعه کند و بگوید شوهرش او را مورد آزار جسمی قرار می‌دهد قاضی او را به پزشکی قانونی می‌فرستد و فقط در صورتی که با جسمی مشخص کتک خورده باشد قابل پیگیری است. در موارد موبوط به توهین و تحقیر و... اوضاع بدتر است یعنی هم اثبات مسئله سخت است و هم گوش شنوایی وجود ندارد. هیچ روانشناسی از سوی دادگاه مأمور نمی‌شود که بتواند ثابت کند مردی همسرش را این‌گونه شکنجه می‌کند. اگر هم زن پافشاری زیادی کند با این جواب روبه‌رو می‌شود: اگر ناراضی هستی حقوقت را ببخش و طلاق را بگیر. خب وقتی قرار است زنی آخر کار این جواب را بشنود از همان اول وارد این بازی فرساینده و نابودکننده نمی‌شود.

#### قوانینی خاص برای خانه

قرار است قانون در تمام عرصه‌های اجتماعی از حقوق افراد دفاع کند اما مانند اینکه وقتی پشت در خانه می‌رسد باید توقف کند؛ حتی در بسیاری از موارد نمی‌تواند در خانه‌ای را که در آن زنی قربانی خشونت خانگی است، بزند. محمدعلی نجفی‌توانا درباره اینکه قانون درباره خشونت علیه زنان چه نواقصی دارد، می‌گوید: اول باید این را بگویم که سایه تبعیض جنسیتی همین‌طور که در بقیه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... دیده می‌شود در قانون هم قابل مشاهده است اما مشکلات فرهنگی در این زمینه بیشتر وجود دارد و بسیاری از زنان به دلیل ترس از اتفاقات بعد از شکایت ترجیح می‌دهند شکایت نکنند. قانون در بسیاری از موارد، تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده و اگر مردی به همسرش سیلی بزند همان قدر باید در برابر قانون پاسخگو باشد که وقتی به مرد دیگری سیلی می‌زند اما ملاحظات درون خانوادگی موجب می‌شود زن، چنین مطالبه‌ای از قانون در برابر شوهرش نداشته باشد.

او درباره خشونت‌های غیرفیزیکی و تفاوت نگاه قوانین ما با کشورهای دیگر می‌گوید: درباره خشونت غیرفیزیکی، ماجرا کمی متفاوت است؛ برای مثال در قوانین برخی کشورها رابطه جنسی مرد با همسرش در صورت عدم تمایل زن، تجاوز محسوب شده و قابل پیگیری است اما طبق عرف، اعتقادات و قانون ما چنین موضوعی اصلاً خشونت محسوب نمی‌شود و زن باید تمکین داشته باشد یا برخی از انواع رابطه‌های جنسی در قوانین کشورهای دیگر ممنوع هستند که شاید در برخی نگاه‌ها مطرح نباشد. این موضوع موجب می‌شود خودبه‌خود بسیاری از خشونت‌ها اصلاً جایی در قانون ما نداشته باشند. درباره خشونت‌هایی مانند توهین، تهمت و تهدید هم باید بگوییم در صورت اثبات، قابل پیگیری هستند و همین‌طور که مردی نمی‌تواند فرد دیگری را تهدید کرده یا به او توهین کند به همسر خودش هم نمی‌تواند اما سختی کار هنگام اثبات ماجراست و قبل از آن راضی شدن زن برای شکایت درباره این‌گونه خشونت‌ها، توانا، به لزوم وجود قوانین جدی منحصر به خانه اشاره می‌کند و می‌گوید: طبق قانون، اگر مردی به همسرش توهین یا او را تهدید کند، روند قضائی همین‌طور طی می‌شود که درباره افراد بیگانه با یکدیگر اما به نظر می‌رسد باید تدارکی دیده شود تا نحوه رسیدگی به ای‌گونه جرایم، روندی متفاوت و تأثیرگذار پیدا کند. شاید از این راه زنان هم بیشتر به مقاومت در برابر این نوع خشونت ترغیب شوند و قانون را بیشتر به‌عنوان پشتیبان خود احساس کنند.